

گزارش سمینار بررسی حقوقی ماده ۱۸۷ برنامه سوم توسعه اجتماعی اقتصادی و فرهنگی

در پی تصویب و انتشار آیین نامه اجرایی ماده ۱۸۷ برنامه سوم اجتماعی اقتصادی و فرهنگی و آرام گرفتن صحنه درگیری میان موافقین و مخالفین این ماده، در خردادماه شاهد برگزاری سمیناری با حضور دانشجویان، اساتید، دست‌اندرکاران قوه قضاییه و هیأت مدیره کانون وکلای دادگستری مرکز در محل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی تهران بودیم. در این سمینار آقایان حجة الاسلام محمد منتظری معاونت امور حقوقی مجلس وزارت دادگستری و نصیری سوادکوهی مدیر کل دفتر حقوقی قوه قضاییه و دکتر عابدیان به عنوان موافق و تنی چند از اعضای هیأت مدیره کانون وکلای دادگستری مرکز آقایان سیدمحمد جندقی کرمانی پور ریاست هیأت مدیره، دکتر جلیل زاده خوبی و فرض پور ماچیانلی اعضای هیأت مدیره و دکتر مهدی شهلا وکیل پایه یک دادگستری و استاد دانشگاه به عنوان مخالفین در محیطی علمی حقوقی به طرح و تبادل نظر پرداختند.

در ابتدا ریاست دانشکده حقوق آقای دکتر کریمی ضمن طرح موضوع با انتقاد از نظام مند نبودن ساختار دستگاه قضایی و اینکه در کشور ما در طول دو دهه سال نظام قضایی به عنوان نظامی هماهنگ بدین معنی که هم در ساختار و هم در مجموع سیاستها هماهنگ باشد وجود نداشته است به این ایراد پرداختند که یکی از مهمترین بخشهای یک نظام قضایی هماهنگ ساختار وکالت می باشد و اگر نظام قضایی ما بخواهد به هدف

برسد حتماً باید نظام وکالتی ما برای این ساختار شناخته و تعریف شده باشد ولیکن همچنان با طرح ماده ۱۸۷ شاهد نفی و تشکیل نظام مساوی و موازی با نهادی قانونمند در دل دستگاه قضایی کشور می‌باشیم. پس از طرح این مقدمه حجة الاسلام منتظری به عنوان اولین سخنران موافق ضمن طرح این نکته که سابقه تاریخی طریح این ماده مربوط به ۷ الی ۸ سال قبل بوده و احیاناً اقداماتی که به صورت مقدم چه در کانون وکلا و چه در جاهای دیگر صورت پذیرفته علت پیشنهاد و تصویب این ماده بوده است به این امر اشاره داشتند که کشور ما بعد از حوادث طولانی که پشت سر گذاشت انقلابی کرد، بعد از انقلاب تحولاتی در بخشهای عمده‌ای از کشور به وجود آمد و بخشهایی نیز همچنان دست نخورده باقی ماند. از جمله این مراکز که قبل از انقلاب نیز بوده و می‌بایست در آن تحولی ایجاد می‌شد کانون وکلا بوده که به علت عدم تحول در این بخش عده‌ای از وکلای متعهد، متدین و پایبند به ضوابط دینی و کسانی که واقعاً علاقمند به مسایل حقوقی بودند از یک سری مسایل که در آنجا می‌گذشت می‌سوختند.

وی همچنین اظهار کرد که این مشکلات از یک سو و مشکلات مربوط به افزایش روزافزون تعداد فارغ‌التحصیلان رشته حقوق و محدودیت پذیرش کانون وکلای دادگستری موجب گردید که نیازهای قوه قضاییه در راستای تأمین مشاوره‌های حقوقی برآورده نشده و افزایش روزافزون فارغ‌التحصیلان بی‌کار و سیاستهای اقتصادی دولت از جمله دیگر عوامل تصویب این ماده بوده است. همچنین با طرح این موضوع که اساسی‌ترین مسأله در طرح این ماده مسأله رقابت بوده است عنوان کرد که با یکی از بزرگترین و مهمترین و اساسی‌ترین جهاتی که می‌تواند موجب پیشرفت و بالندگی هر شخص و یا هر جامعه‌ای بشود مسأله رقابت است. رقابت اگر رقابتی سالم باشد می‌تواند دست‌اندرکاران را از لحاظ کیفی بالا بیاورد و یقیناً کانون وکلا از این امر مستثنی نبوده و تا زمانی که رقیب نداشته باشد تلاش نخواهد کرد و وضعیت در همان سطح نامطلوب باقی خواهند ماند و این امری شناخته شده در عرصه بین‌المللی نیز می‌باشد. آقای نصیری سوادکوهی دیگر سخنران موافق در این سمینار بود. ایشان ضمن طرح این مطلب که اصول کلی قضایی اسلام در درجه اول باید منطبق با موازین شرع اسلام باشد و قوای دیگر باید خود را با این امر منطبق نمایند اشاره کرد که این ماده هم مخالفان و هم

طرفداران زیادی دارد و هدف از تصویب را مسأله اشتغال‌زایی سیاست دولت و وجود روزنه‌ای برای ارتقای آن دسته از فارغ‌التحصیلانی که نه در وادی وکالت و نه در وادی قضاوت وارده نشده‌اند دانست. کثرت دعاوی و جرایم، ازدیاد جمعیت، کمبود وکلا و شرایطی که بعضی وکلا دارند و اینکه در شهرهای مختلف به واسطه فقدان امکانات مالی امکان دسترسی و استفاده از وکلای دادگستری وجود ندارد و در نتیجه حقوق عامه در معرض احیا قرار نمی‌گیرد و حداقل اگر تضييع نشود احیا نخواهد شد از دیگر دلایل این سخنران می‌باشد. البته ایشان در قسمتی دیگر از سخنانشان ضمن تشکر از زحمات هیأت مدیره منتخب در جهت بهینه‌سازی دستگاه وکالت اذعان داشتند که اصلح وجود سیستمی واحد و مستقل در امر وکالت بوده و در عرض هم بودن مسلماً دارای تعارضاتی در عمل خواهد بود. ضمن اینکه ماده مصوب و آیین‌نامه اجرایی آن دارای اشکالات عمده‌ای بوده و مهمترین مشکلی که این ماده برای دستگاه قضایی ایجاد می‌کند مسأله کنترل و نظارت هم از جهت امتحان و هم مسایل بعدی خواهد بود که در نتیجه بار مالی هنگفتی برای این دستگاه خواهد داشت و لذا اولی این است که این نهاد مستقل باشد.

در ادامه نوبت به سخنرانی مخالفین این ماده رسید. ابتدا آقای جندقی ریاست هیأت مدیره کانون وکلای دادگستری مرکز ضمن طرح تاریخچه‌ای از تأسیس تا طرح ماده ۱۸۷ برنامه سوم توسعه اجتماعی اقتصادی دولت و اینکه همواره روند استقلال وکالت در این کشور در معرض تهدید و تخریب قرار داشته است در پاسخ به ایراد حجة الاسلام منتظری که درصد پذیرفته شدگان وکالت را ناکافی و ناشی از فعالیت‌های کانون دانست اعلام کرد؛ مطابق قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت مصوب سال ۱۳۷۶ تعیین تعداد کارآموزان برای هر کانون بر عهده کمیسیونی متشکل از رییس کل دادگستری استان، رییس شعبه اول دادگاه انقلاب و رییس کانون وکلای مربوطه می‌باشد که این کمیسیون حداقل هر سال یک مرتبه به دعوت رییس کانون وکلا تشکیل و اتخاذ تصمیم می‌نماید. یعنی ما از مسؤولین قوه قضاییه که دارای اکثریت در این کمیسیون می‌باشند می‌خواهیم نیازمندی‌های خود را در اقصی نقاط کشور اعلام تا تعداد کارآموزان هر دوره مشخص شود. بنابراین در امری که خود قوه قضاییه در خصوص میزان آن دخالت دارد آیا شایسته

اینست که بگوییم کانون وکلای دادگستری انحصار طلب است؟ کانون خانه تمامی وکلا با تحصیلات حقوقی می باشد و دلیلی بر انحصار وجود ندارد. این ایراد که تعداد وکلای دادگستری در مقایسه با کشورهای دیگر درصد پایینی دارد امری پذیرفته شده و مورد قبول است ولی آیا در کشور ما مردم برای طرح و رفع دعاوی و مشکلاتشان بلافاصله به وکیل مراجعه می کنند؟ و یا زمانی که کارشان به اوج خود رسید؟ اگر هدف از ماده ۱۸۷ اشتغال است بسیار خوب کمیسیون اعلام کند فرضاً ده هزار وکیل برای امسال پذیرفته شود ولی آیا حضور وکیل بدون بازار کار صحیح است؟ آیا با افزایش وکیل بدون الزامی شدن وکالت در دادگاهها مشکل فارغ التحصیلان حقوق حل می شود؟ آیا تاوان فقدان برنامه ریزی در وزارت علوم و امر پذیرش و فارغ التحصیلی دانشجویان را کانون وکلای دادگستری باید پردازد؟ به موجب ماده ۳۲ قانون اصلاح پاره ای از قوانین دادگستری مصوب ۱۳۵۸ وزارت دادگستری اختیار دارد در نقاطی که صلاح می داند وکالت را الزامی نماید و کانونهای وکلا موظفند برای افرادی که بضاعت مالی ندارند وکیل معاضدتی انتخاب نمایند چرا از اختیارات خود برای به کار بستن این ماده استفاده نمی کنند؟ فرضاً اعلام نمایند وکالت در قزوین الزامی است و کمیسیون تعیین کند دو هزار نفر وکیل برای قزوین می خواهیم بدیهی است کانون بلافاصله اقدام می کند! اعتلا و شأن قوه قضاییه، اعتلای کانون وکلای دادگستری و شأن جامعه وکالت است. آیا وظیفه تربیت وکلای دادگستری به موجب اصل ۱۵۶ قانون اساسی به عهده قوه قضاییه است؟! ایشان همچنین در پاسخ به طرح مسأله رقابت افزودند که: وکالت کالا نیست که بخواهند رقابت کنند، امر وکالت امری اجتماعی است که تابع ضوابط قانونی خود می باشد. پس از پایان سخنرانی ریاست کانون نوبت به آقای دکتر جلیل زاده خوبی استاد دانشگاه و عضو هیأت مدیره کانون وکلای دادگستری مرکز رسید. ایشان ضمن اظهار تأسف ابراز کردند که بر فرض اینکه عملکرد ده سال گذشته و در دهه اول انقلاب کانون باعث طرح این ماده شده است باز هم قوه قضاییه مقصر است و نه کانون وکلای دادگستری به دلیل اینکه در آن سالها خود قوه قضاییه شخصی را به عنوان سرپرست کانون تعیین کرد و بدیهی است که وقتی شخصی از طرف مقام بالا تعیین بشود آن شخص مطیع بوده و ناچار است از فرمایشات و فرموده های مقام بالا تبعیت کند اگر هم نکند برکنار می شود.

این هیأت مدیره‌ای که در حال حاضر به انتخاب جامعه وکلا انتخاب شده از هیچ کس دستور نمی‌گیرد، فقط از وجدان و از قانون دستور می‌گیرد و خوشبختیم اعلام کنیم در سه سال اخیر در نهایت بی‌طرفی در اجرای قانون کوشیده‌ایم و علی‌رغم اعمال نفوذهایی که به کار رفت به کسی من‌غیر حق پروانه ندادیم. جایگاه کانون وکلا در دنیا شناخته شده است. چه شد که یک کانون موازی را به وجود آوردند، به گمان من نه ارتباط به اشتغال دارد و نه حق الزحمه. وکلا با توجه به طبع و ماهیت کار آزاد هستند و زیر بار هیچ قدرتی نمی‌روند این در واقع شاید یک جهتی باشد تا وکلایی پرورش بدهند که مطیع باشند و این با طبع جامعه مدنی سازگاری ندارد.

در ادامه سمینار دیگر عضو هیأت مدیره آقای فرض‌پور با بیان این مطلب که در زمان طرح لایحه قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب در مجلس ایرادات عدیده‌ای در جهت رد و ذکر عدم نفع این قانون برای تشکیلات قضایی کشور از سوی اینجانب که در مجلس حضور داشتم آورده شد که متأسفانه در آن زمان بدون توجه به ایرادات اظهار داشتند این قانون نتیجه کاری کارشناسی است و موجب می‌شود امور ضایع شده احیا شود که امروز نتیجه‌اش را می‌بینیم. آنچه امروز به عنوان ایراد بر ماده ۱۸۷ می‌گیریم این است که قوه محترم قضاییه متولی اشتغال در مملکت نیست و شرح وظایف او در قانون اساسی مصرح است. وزارت کار و امور اجتماعی متولی این امر است هر چند دولت در معنای عام این مسؤلیت را داشته و باید اشتغال ایجاد کند. مضافاً به اینکه با فرض ردّ تمامی این استدلال‌ها چرا این توپ را به زمین کانون وکلا پرتاب می‌کنید خوب مگر خود قوه قضاییه با کمبود کادر قضایی مواجه نمی‌باشد تعداد زیادی از دانش‌آموختگان در کادر این دستگاه می‌توانند جای بگیرند. ایشان همچنین در پاسخ به اظهار حجة الاسلام منتظری در خصوص فقدان نیروی ارزشی در کانون وکلای دادگستری افزودند که؛ بر خلاف آنچه ایشان می‌گویند ما دو دسته متقاضی برای پروانه وکالت داریم، یک دسته قضائی هستند که سالها در دستگاه قضایی و لاقلاً بیست و دو سال پس از انقلاب را حضور داشته‌اند که اینها اگر ارزشی نبودند چرا اخراج نشده‌اند و لاقلاً ضدارزشی نیستند. دسته دیگر متقاضیانی هستند که در دامن انقلاب پرورش یافته‌اند از هفت خوان گزینش و دانشگاه گذشته‌اند تا به کانون رسیده‌اند که قطعاً ضدارزشی

نمی‌باشند چه آنکه ۳۰ درصد از این پذیرفته‌شدگان از میان جانبازان و خانواده‌های معظم شهدا انتخاب می‌شوند. بنابراین معلوم نیست منظور شما از نیروهای ارزشی و ضدا ارزشی چیست؟ اگر کانون تعداد وکیلش کم است به دلیل این است که ۱۸ سال دست هیأت مدیره منتخب نبوده و به وسیله قوه قضاییه اداره می‌شده است. در مدت سه سالی که در اختیار خود وکلا بوده معادل کل وکلا از شصت الی هفتاد سال به این طرف یا کارآموز گرفته‌ایم و یا پروانه وکالت دادیم.

در انتها دکتر مهدی شهلا استاد و وکیل دادگستری اظهار داشتند که اگر امروز در این مکان حاضر شده‌اند نه به جهت حمایت از صنف وکلاست که بهترین نمایندگان این صنف حاضرند و مطلع از جریان فعالیتهای انجام شده و جوابگو هستند. وی افزودند به عنوان مدرس خصوصاً در رشته حقوق تطبیقی وقتی به نظامهای حقوقی مختلف دنیا نگاه می‌کنیم باید آن چیزهای خوبی که وجود دارد گرفته و وارد سیستم حقوق خود بکنیم. با اندک دقتی در تاریخچه وکالت در ایران در می‌یابیم که هرگاه نهاد وکالت در این کشور جهشی در جهت و همقدم با کشورهای پیشرفته دیگر داشته است مدتی طول نکشیده که با طرح ماده واحده و یا قانونی به عقب برمی‌گردیم و کانون مجدداً استقلال خود را از دست داده و به صورت تابعین قوه قضاییه در می‌آید. ماده ۱۸۷ در همین راستا قدم برمی‌دارد. در مقایسه‌ای تطبیقی به مصوبه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۲ که کشور خودمان هم عضو آن است و آن را امضا کرده در خصوص اصول بنیادی کانون وکلای دادگستری اشاره می‌کنم «وکلا دادگستری باید بتوانند سازمان حرفه‌ای خود را تشکیل داده و به آن ببینوند تا به نمایندگی از منافع خود به پیشرفت آموزش علمی و حرفه‌ای خود همت گمارند و از یکپارچگی شغلی خود دفاع کنند هیأت مدیره کانون وکلای دادگستری باید از سوی آنان برگزیده شود و ظایف خود را بدون هرگونه دخالت خارجی انجام دهد» بنابراین این مصوبه که ناشی از بنای عقلاست و حقوقدانان دنیا نشسته‌اند و عقلشان را روی هم گذاشتند و فکر کردند که اگر وکلا مستقل باشند عدالت بیشتری برقرار خواهد شد قابل تأمل و بررسی است. وکیلی که دست و پایش بسته باشد، وکیلی که این احساس را داشته باشد که اگر هر لحظه قوه قضاییه که به او پروانه داده است بتواند پروانه‌اش را بگیرد نمی‌تواند وکالت کند. به نظر می‌رسد این دو

نیروی موازی بعد از گذشت مدتی به هم می‌رسند و در واقع پس از گذشت مدتی همان مشاورین حقوقی عنوان وکیل پایه یک را پیدا می‌کنند و تداخل دو تأسیس به وجود می‌آید که جز آثار منفی آثار دیگری به بار نخواهد آورد. در ادامه این سمینار پرسش و پاسخهایی با اعضای هیأت مدیره صورت گرفت که از حوصله این گزارش خارج می‌باشد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی